

ILLUMINATI



What Is the Illuminati?

The Illuminati is an elite organization of world leaders, business authorities, innovators, artists, and other influential members of this planet. Our coalition unites influencers of all political, religious, and geographical backgrounds to further the prosperity of the human species as a whole. While many of our operations require anonymity for the safety of our members, we strive to create a better understanding between us and the people we have been entrusted to protect.

نگارش ویژه ای پیرامون سابقه تاریخی، کنش ها و منش های گروه ایلومیناتی ها، "نخبگان"، روشن ضمیران" یا اربابان جهان!!!



تهیه، ترجمه و تدوین: دکتر نصرالدین شاه پیکار

۱۸ فروری ۲۰۱۷

ترانتو-کانادا

ایلومیناتی چیست؟ : طبقه ممتاز: یعنی ایلومیناتی و فراماسونها و صهیونیستها و واتیکان و خاندان سلطنتی بریتانیا که در مجموع یک درصد کل جمعیت جهان امروز را تشکیل میدهند. این افراد صاحب 80 درصد کل ثروت جهان هستند و 6 میلیارد انسان باقی مانده با 20 درصد ثروت دنیا زندگی میکنند؛ علوم جادوگری و جن گیری، کابالا و پیشرفت تکنولوژی و فن آوری در یک قرن گذشته مثل دو بال برای پرواز این طبقه به بالاترین درجات قدرت در این دنیا شده و این طبقه را ابر قدرت دنیا و حاکم بر دنیا ساخته است. از یک طرف علوم کابالا و از طرف دیگر پیشرفت تصاعدی علم و دانش این طبقه را به آنجایی رسانده که گمان میکند میتواند قدرتی هم اندازه خدا داشته باشد و خود رامدیون ابلیس دانسته و میگویند آدم و حوا توسط خدایی بی رحم در بهشت زندانی شده بود و نمیدانست میتواند قدرتی مثل خدا داشته باشد ولی با کمک ابلیس به قدرت خرد و عقل به این قدرت رسید. در کابالا این درخت را درخت معرفت نامیده اند ایلومیناتی در واقع احیا کننده الهه های باستانی بخصوص الهه های بابل و میان رودان (بین النهرین) است. بام الهه ایلومیناتی Semiramis است که حدود 6000 سال پیش در بابل پرستش میشده است، یکی از اقوامی که در بابل بوده و برای این الهه مناسک انجام میداده Merovingianها بوده اند امروزه یکی از قدرتمندترین و ثروتمندترین خاندان های ایلومینیتی نام خود را Merovingianنهاد و نسب خود را به این قوم باستان میرساند این خاندان که به شدت سری و مخفی هستند بعد از خاندان سلطنتی بریتانیا در رتبه دوم از شورای 13 تاجدار هستند در هرم قدرت ماسونی هستند مجموع شورای 13 تاجدار را ایلومیناتی میگویند و زیر این نام مخفی شده و دارای 10 ها الهه هستند سعی در زنده کردن اقوام بت پرست باستان هستند. در سال 2006 یک ماهواره روسی تصاویری از شهر بابل در عراق نشان داد که تعدادی از سربازان امریکایی به دور یک زمین حلقه زده اند و پس از مناسکی با حفاری زمین یکی از بت های مدفون شده باستان را بیرون آورده و با عزت و احترام آن را به امریکا منتقل کردند.

محفل روشن ضمیران یا ایلومیناتی (به لاتین: Illuminati)، جمع کلمه لاتین *illuminatus* به معنی روشن ضمیر است و در اصطلاح به گروههایی تاریخی و امروزی و همچنین واقعی و خیالی گفته می شود. از بعد تاریخی، به ایلومیناتی های باواریا گفته می شود، گروه سری روشن ضمیرانی که در ۱۷۷۶ تاسیس شد. در ایام کنونی به سازمانهای توطئه گر مخفی گفته می شود که در حکم دولت در سایه عمل می کنند که به نظر می رسد رخدادهای دنیا را از طریق دولتهای و شرکتهای بزرگ امروزی کنترل می کنند. معمولاً به عنوان نسل نوینی و تداوم ایلومیناتیهای باواریا. در این ادبیات ایلومیناتی معمولاً در ارتباط با نظم

نوبین جهانی به کار می‌رود. معتقدین نظریه توطئه، معتقدند ایلومیناتی، هزاردستانی در پس وقایع هستند که جهان را به سمت نظم نوبین جهانی مورد نظر خود راهبری می‌کنند.

تاریخچه ایجاد: آدام وایسهائوپت، زاده ۶ فوریه ۱۷۴۸ میلادی در اینگولشتات، وفات ۱۸ نوامبر ۱۸۳۰ میلادی در گوتا (هردو درآلمان). آدام وایسهائوپت در دانشگاه انجمن عیسی (یسوعیون) شهر اینگولشتات تدریس می‌کرد. فارغ‌التحصیل از دانشگاه شهر اینگولشتات و سپس پروفسور رشته قوانین کلیسایی و فلسفه در همان دانشگاه (خاستگاه دانشگاه امروزی مونیخ) در تاریخ یکم ماه مه ۱۷۷۶ با دستیاری دو دانشجو، گروه Perfektibilist ها را بنیان نهاد (یعنی کسانی که قابلیت تکمیل کردن دارند). دلیل آغاز این فعالیت وایسهائوپت که در آن زمان ۲۸ سال بیش سن نداشت، فضای عقلانی حاکم بر دانشگاه بود. در آن زمان اکثریت مطلق کرسی‌های تدریس دانشگاه را برادران روحانی برکنار شده از فرقه یسوعیون یا انجمن عیسی در دست داشتند. فرقه یسوعی‌ها در سال ۱۷۷۳ منحل / ممنوع اعلام شد و فعالیت ایشان بصورت زیر زمینی و مخفی درآمد. آدام وایسهائوپت تنها استاد دانشگاه بود که از این فرقه نبود و دوران سختی را در کنار برخی دانشجویان در جمع یسوعیون می‌گذراند. این بود تصمیم گرفت گروهی را بوجود بیاورد تا دانشجویان زیر فشار را که از مودی‌گری‌ها و دسیسه‌های یسوعیون رنج می‌بردند تحت حمایت درآورد. از اینرو و بخاطر اینکه دانشجویان بتوانند به کتب انتقادی مذهبی دست یابند، او "گروه مخفی وایسهائوپت" را تشکیل داد. در ضمن وایسهائوپت می‌خواست قطبی علیه محفل "چلیپای گلگون" بوجود بیاورد که شاخه ایست مخفی از فراماسونها که در آن زمان روز بروز قوی تر و در عین حال مخرب تر می‌شد. (منبع: بخش آلمانی و انگلیسی همین مقاله)

اولین دوران شکوفایی این محفل زمانی بود که «فرانتس اکساور فون تسواک» شاگرد وایسهائوپت تغییراتی در سازمان بوجود آورد. در ابتدا وایسهائوپت نام «فرقه زنبور عسل» را پیشنهاد کرد زیرا بر این باور بود که اعضای فرقه می‌بایستی چون زنبور عسل تحت فرمان «ملکه»، عسل دانایی و حکمت را دریاوند (جمع‌آوری کنند)، ولی عاقبت تصمیم گرفته شد که نام «فرقه ایلومیناتور ها» (نورانیان / منوران / روشن ضمیران) را انتخاب کنند. نتیجه این شد که سازمان یا محفلی مخفی با شباهت بسیار با فرقه یسوعیون تشکیل یافت. این محفل فرقه مانند بین سالهای ۱۷۸۴ و ۱۷۸۵ ممنوع اعلام شده و رسماً تعطیل شد ولی شایعات در مورد آن هرگز قطع نشد. در این رابطه می‌توان به این موارد اشاره کرد: اغلب مبارزات علیه کلیسای کاتولیک، انقلاب فرانسه و یا تئوری «تسلط بر جهان» که اروپایی‌ها و بخصوص رومیان در ابتدا با در نظر گرفتن الگویی علیه سیستم‌های جهانگیری ایرانیان باستان طرح کردند. (رک: بخش آلمانی از قول هرودوت). برخی محفل مخفی جمجمه و استخوان که جرج دبلیو بوش، پدرش و بسیاری از یاران او در آن عضو هستند را نیز از شاخه‌های این محفل می‌دانند.

«ایلو میناتی» (Illuminati) واژه ای لاتین است که معنای «آگاهان»، «روشنفکران»، «روشن بنیان» و «سرآمدان» را دارد. با این توصیف، گروهی از «بزرگان» جهان که خود را گلچین شدگانی از میان نخبگان و برگزیدگان می‌دانند، بر آن شدند که قدیمی ترین، مرموزترین و محرمانه ترین سازمان های مخفی «اربابان (خود خوانده) جهان» را بدین نام بخوانند. غالب این سازمان ها در جامعه پایگاه و اعضایی دارند و هویت آنها بر مردم معلوم است، اما اعضای «ایلو میناتی» به وضوح شناخته شده نیستند، اگرچه برخی نام ها مصرانه بر زبان ها جاری است. قدر مسلم آن که، این سازمان از خاندان های بزرگ سرمایه داران یا اشراف، مانند «راتشیلد» ها، «هریمن» ها، «راسل» ها، «دویون» ها، «ویندسور» ها و یا «راکفلر» ها- از جمله، «دیوید راکفلر» اجتناب ناپذیر، از بنیانگذاران گروه «بیلدربرگ» و «شورای سیاست خارجی»- تشکیل شده است. در ذیل با یکی از قدرتمندترین سازمان هایی که خود را «ارباب جهان» می‌دانند، آشنا می‌شویم.

«ایلو میناتی» ها در شکل کنونی خود از سال 1776 به فعالیت مشغولند. در این تاریخ، فردی مسیحی - از «ژزوئیت» های سابق - به نام «آدام وایسهاوپی» فرقه «ایلو میناتی» را در «باویر» آلمان بنیان نهاد. در آن دوران، پروژه «ایلو میناتی» ها تغییر کامل و بنیادین جهان از طریق نابودی قدرت نظام های سلطنتی را شامل می شد که در آن زمان مانعی بر سر راه پیشرفت جامعه و اندیشه ها به شمار می آمدند. گفته می شود که انقلاب کبیر فرانسه و بنیانگذاری ایالات متحده نیز حاصل استراتژی آنان بوده است. از دیدگاه «ایلو میناتی» ها، دموکراسی سیاسی «وسیله» ای بیش نیست و به هیچوجه نمی تواند یک «هدف» انگاشته شود. از نظر آنها، جماعت مردم به طور طبیعی جاهل و احمق و بالقوه تندخو و زودخشم است، و بنابراین جهان صرفا باید از سوی نخبگانی آگاه و روشن بین هدایت گردد. بدینسان، اعضای این گروه به مرور زمان از «توطئه گرانی خرابکار» به «سلطه گرانی بیرحم» تبدیل گردیده اند که هدف اصلی و اساسی شان حفظ قدرت و استیلای خود بر مردم است. تأسیس گروه «ایلو میناتی» سرآغاز اجرای طرحی بود که باید طی قرون متمادی و از طریق کنترل نظام مالی نوظهور انجام می پذیرفت تا استیلای کامل بر جهان حاصل گردد، و به همین منظور نیز طراحی شده بود. اجرای این طرح سپس در بطن این «برگزیدگان موروثی» از میان نخبگان و روشنفکران، همانند مشعلی پایدار، نسل به نسل دست به دست گردیده، با تحولات تکنولوژیک، اجتماعی و اقتصادی مطابقت یافت.

برخلاف دیگر سازمان های «اربابان جهان»، «ایلو میناتی» ها صرفا یک «باشگاه تعمق» ساده و یا یک «شبکه نفوذی» نیستند، بلکه سازمانی را تشکیل می دهند که ماهیت واقعی آن کاملا مبهم، مشکوک، محرمانه و اسرارآمیز است. رهبران سیاسی و اقتصادی خود را نزد مردم اشخاصی بسیار منطقی و مادی گرا جلوه می دهند. اما، اگر مردم می دانستند که برخی از این اشخاص در جوامعی پنهان و زیرزمینی که در آنها کیش خدایان مصر و بابل - مانند «ایزیس»، «اوزیریس»، «بعل»، و یا «سپیرامیس» - را به جای می آورند، در مراسمی عجیب و غریب شرکت می جویند، کاملا شگفت زده و متعجب می گردیدند. واژه «ایلو میناتی» از کلمه لاتین «ایلو میناره» سرچشمه می گیرد که خود به معنای «روشن کردن»، «دانستن» و «شناختن» است. پس، «ایلو میناتی» معنای «آگاهان»، «روشنفکران» و یا «روشن بینان» را دارد. و در واقع نیز، «ایلو میناتی» ها خود را صاحب شناخت، کرامت و خردی برتر می دانند که از زمان های بسیار دور به ارث برده اند و بر این پندارند که این خود بدانها مشروعیتی برای فرمانروایی بر بشریت می بخشد. «ایلو میناتی» ها شکل مدرن یک جامعه مخفی و سری بسیار قدیمی به نام «اخوت مار» را تشکیل می دهند، که ریشه و اصل آن به ریشه های تمدن غرب، در بیش از 5000 سال پیش، یعنی تمدن های سومر و بابل بازمی گردد. تمدنی که امروز بر جهان حاکم است، در واقع ادامه تمدن «سومر» است که هر آنچه را که خصوصیت تمدن غربی را تشکیل می دهد - مانند دولت، پول، تجارت، مالیات، برده داری، ارتش های سازماندهی شده و یک توسعه طلبی و جهان گشایی گسترده بر پایه جنگ های مداوم و به خدمت گیری دیگر اقوام و ملل - اختراع کرده است. تمدن «سومر» همچنین نخستین تمدنی بود که به محیط زیست خود آسیب فراوانی وارد آورد. تمدن های سومری و بابلی با بهره برداری بیش از حد از زمین های کشاورزی پس از اختراع «آبیاری» زمین ها، دشت های سرسبز را به بیابانی که امروز «عراق» نام دارد، مبدل ساختند.

از دوران تمدن های سومر و بابل به این سو، «اخوت مار» با گرفتن اشکال و اسامی متعدد و گوناگون و اجرای نفوذ خود بر مذاهب و قدرت های سیاسی متوالی همچنان تداوم یافت، و آن نیز در تسلسلی که بسیاری از آنان از جمله «مکاتب حکمت» مصری و یونانی، کلیسای مسیحی «رم» (که در راستای ریشه دوانیدن در اروپا همانند «وسیله نقلیه ای» از سوی «اخوت مار» مورد استفاده قرار گرفت)، «مروونژین» ها (نخستین سلسله سلاطین فرانسه که از اواخر قرن پنجم میلادی تا اواسط قرن هشتم بر این کشور فرمانروایی داشتند)، «تامپلیه» ها یا «معبدیون» (و شاخه های متعدد و فراوان آنها مانند «فراماسون» ها، «رزگروا»، «پرپوره دو سیون»، «فرقه نظامی و بیمارستانی سن ژان بیت المقدس»، «مسلك مالت» و...) و بالاخره،

«ایلو میناتی» و سازمان های وابسته را در برمی گرفت. نهاد «ایلو میناتی» ها بر اسکناس های يك دلاري آمریکا كاملا مشهود است و هر می است که قله (برگزیدگان و نخبگان) آن توسط «چشمی آگاه و روشن بین» نورانی گردیده و بر «پایه کور» هرم- که از آجرهایی مشابه (مردم) ساخته شده است- تسلط دارد.

شورای 13 نفره: شورای بزرگ «راهبان» است، 13 راهب بزرگ که رهبانیت و آیین خصوصی «راتشیلد» را تشکیل می دهند.

❖ **شورای 33 نفره:** بالاترین رده فراماسون های جهان سیاست، اقتصاد و کلیسا را شامل می شود. این افراد برگزیدگان و نخبگان «کمیته 300 نفره» به حساب می آیند.

❖ **کمیته 300 نفره:** این کمیته در سال 1729 و به منظور پرداختن به امور بانکی و تجاری بین المللی و حمایت از قاچاق تریاک، از سوی «کمیپانی تجاری هند شرقی انگلیس» یا «British East India Merchant Company» (BEIMC) تأسیس گردیده است. ریاست «کمیته 300 نفره» را خاندان سلطنتی انگلیس برعهده دارد. این «کمیته» نماینده کل نظام بانکی جهان و نیز مهمترین در میان نمایندگان کشورهای غربی است. کلیه بانک ها از طریق خانواده «راتشیلد» با «کمیته 300 نفره» ارتباط می یابند. برخی اسامی شناخته شده تر این کمیته عبارتند از: «جرج بوش»، «لرد چمبرلن»، خانواده «فوربس»، «فردریک نهم» پادشاه دانمارک، «جرج لوید»، سر «ادوارد هیگ»، «سر» «داگلاس هریمن»، «هنری کیسینجر»، «فرانسوا میتران»، «اولاف پالنه»، پرنسس «بناتریکس»، پرنس «رنیه» موناکو، ملکه «الیزابت دوم»، ملکه «جولیاننا»، «دیوید راکفلر»، «بارون «راتشیلد»، «کاردینال «تیسن بورنمیسزا»، «بارون «هانس هاینریش واندربیلت»، خانواده «فون فینک، «بارون» «اگوست فون ها بزبورگ» و...

دولت جهانی: به جای قدرت رو به زوال دولت های «کشور-ملت» ها، قدرت جدیدی روی کارآمده است که جهانی و کلی و از کنترل دموکراسی بدور و محفوظ است. بدینسان، شهروندان کماکان به انتخاب نهادهای ملی می پردازند، در حالی که قدرت واقعی به مراکز جدید انتقال یافته است. به عبارت دیگر، کره زمین امروز از سوی صورتی نجومی متشکل از سازمان هایی با نقش های اجرایی و یا سیاسی اداره می شود. سازمان های اجرایی خود به سه طیف قدرت تقسیم می گردند:

❖ طیف قدرت اقتصادی و مالی

❖ طیف قدرت نظامی و پلیس

❖ طیف قدرت علمی

قدرت سیاسی این نظام توسط طبقه و رده چهارمی از سازمان ها به اجرا درمی آید، که عبارتند از: «کلوپ های تعمق»، شبکه های نفوذی، و یا همایش های «لیدرهای جهانی» (Global Leaders) مانند «گروه بیلدربرگ» و یا «مجمع اقتصادی جهانی داووس». تمامی این سازمان ها از نزدیک با یکدیگر مرتبط بوده و مکمل همدیگرند و هیچ رقابتی میان آنها برپا نیست. آنها در واقع مجموعه ای را تشکیل می دهند که انسجام آن به واسطه تعلق همزمان برخی شخصیت های عضو به سازمان های متعدد، تأمین می گردد. این اشخاص کلیدی را می توان «اربابان جهان» تلقی کرد. برخی از آنان - مانند «جرج بوش» (پدر) و یا «هنری کیسینجر»- در شمار لیدرهای سیاسی سطح بالا قرار دارند. اما، غالب آنها برای مردم عادی ناشناخته باقی مانده اند. نظام این سازمان با نبوغ بسیاری طراحی شده است. بدین گونه که، بسیاری از این سازمان ها- که ساختاری شبکه ای دارند- مأموریت و تکلیفی واحد را دنبال می کنند، و مراکز و نیز «چرخه های فرماندهی» آنها در راستای تأمین امنیت بیشتر و ثبات مجموعه، دو یا سه برابر گردیده اند. بدین شکل، در صورت بی فایده و بی اثر شدن یکی از سازمان ها و یا رابط ها، کنترل کل زیر تهدید قرار نمی گیرد. دقیقاً همانند اینترنت، که نظامی

است بدون مرکزیت واحد و در آن جریان‌ات اطلاعاتی می‌توانند یک مرکز محلی از کارافتاده را براحتی «دوربزنند». نهاد‌های اجرایی «ایلو میناتی»ها عبارتند از:

❖ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا (OECD یا OCDE): سازمان هدایت کننده «بازار نوین فرا آتلانتیک» (AMI یا MAI)، که قوانین و مقررات تجارت جهانی را مشخص ساخته، از نزدیک بر سیاست اقتصادی کشورهای غربی تأثیرگذار است. این سازمان 30 کشور توسعه یافته را که «از اصول اقتصاد بازار پیروی می‌کنند»، گردهم می‌آورد.

❖ صندوق بین‌المللی پول (FMI یا IMF) و بانک جهانی: این دو نهاد مالی اقتصاد و محیط زیست کره زمین را از طریق وام‌هایی که به شرط اجرای یک سیاست اقتصادی فوق‌لیبرال، و به زیان واقعیت‌های انسانی و اکولوژیک اعطا می‌گردد، ترسیم می‌کنند.

❖ سازمان تجارت جهانی (WTO یا OMC): قوانین و مقررات تجاری جهانی را از طریق کاهش بیش از حد اختیار تصمیم‌گیری کشورها در زمینه اقتصاد و یا محیط زیست، تعیین می‌کند.

❖ کمیسیون اروپا (یا «کمیسیون بروکسل»): که دولت اتحادیه اروپاست. اعضای این کمیسیون انتخاب نمی‌شوند، و مردم نیز هرگز در جریان نتایج تصمیم‌گیری‌های آنان قرار نمی‌گیرند.

بخش‌های فزاینده‌ای از قدرت کشورها به این «کمیسیون» که تحت هیچ کنترل دموکراتیکی قرار ندارد، انتقال داده شده است (80 درصد قوانینی که در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به اجرا درمی‌آید، قوانین اروپایی هستند). انتقال بخش‌هایی از حاکمیت کشورها از سوی سیاستمدارانی از جناح‌های راست و چپ و با هدف خارج ساختن بخش مهم و اساسی تصمیمات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی از حیطه اختیارات تصمیم‌گیری عمومی، انجام پذیرفته است. علاوه بر این، «کمیسیون اروپا» خود تماماً زیر نفوذ لابی‌های صنعتی قرار دارد که الهام‌بخشان بزرگ قوانین و مقررات اروپایی هستند. سیاست اروپا با همکاری نزدیک «میزگرد اروپا» (European Round Table) تعیین می‌گردد که سران بزرگترین شرکت‌های چندملیتی اروپا را گردهم می‌آورد. «میزگرد اروپا» در تمامی تصمیمات بزرگ اقتصادی، مالی، اجتماعی و یا زیست‌محیطی شراکت دارد. و بالاخره، بسیاری از کمیسرهای اروپایی به شرکت‌های چندملیتی و یا شبکه‌های نفوذی طرفدار لیبرالیسم و جهانی‌سازی بسیار وابسته‌اند. از دیگر سو، بسیاری از کمیسرهای اروپایی در شمار اعضای گروه بسیار قدرتمند «بیلدبرگ» قرار دارند، که «خوزه مانوئل باروسو» (رئیس کنونی کمیسیون اروپا، نخست‌وزیر سابق پرتغال)، «فریتز بولکشتاین» (کمیسر اروپا، بانی «قانون بولکشتاین»)، «رومانو پرودی» (رئیس سابق کمیسیون اروپا، نخست‌وزیر سابق ایتالیا)، «ژاک سانت» (رئیس سابق کمیسیون اروپا، نخست‌وزیر سابق لوکزامبورگ)، «سر» «لیون بریتان» (معاون کمیسیون، مذاکره‌کننده سابقه اروپا برای «گات»)، «پاسکال لامي» (مسئول تغییرات به وجود آمده در ماده 133 «معاهده آمستردام» که هدف از آن، انتقال اختیارات کشورهای عضو به «کمیسیون» در زمینه مذاکرات و امضای معاهدات اقتصادی از نوع «AMI» یا «MAI» بوده است)، «ادیت کرسون» (عضو سابق «کمیسیون اروپا»، نخست‌وزیر سابق و وزیر سابق بازرگانی فرانسه، عضو سابق هیئت‌مدیره «اشنایدر»)، «اما بونینو» (معاون کنونی مجلس سنا ایتالیا، وزیر سابق امور اروپایی و تجارت خارجی در دولت دوم «رومانو پرودی»)، «ماربو مونت» (رئیس کنونی دانشگاه «بوکونی» میلان، کمیسر مسئول رقابت تجاری در دوران ریاست «رومانو پرودی» و از مسئولان «بروگل»، یک «مرکز یا اتاق تفکر» اروپا که در سال 2005 تأسیس گردیده است)، «هانس وان دن بروک» بلژیکی، «کارل وان میرت» (وزیر ایالتی بلژیک از جناح سوسیالیست‌ها، کمیسر سابق اروپا در امور رقابت تجاری بین سال‌های 1994 و 1999)، «ارکی لیکنان» (رئیس بانک فنلاند و عضو هیئت‌مدیره بانک مرکزی

این کشور، رئیس «صندوق بین المللی پول» فنلاند، عضو اسبق کمیسیون اروپا) و «ریت بیرگارد» (سیاستمدار دانمارکی، عضو اسبق کمیسیون اروپا در امور محیط زیست)، از جمله آنانند.

شایان ذکر است که «AMI» (به زبان فرانسه) یا «MAI» (به زبان انگلیسی) یک توافق بین المللی است که به طور کاملاً پنهان و محرمانه از سال 1995 تحت نظارت «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا» به اجرا درآمده و پیامدهای آن خطری بی سابقه برای دموکراسی محسوب می شود. رسانه ها که اغلب به چندملیتی های طرفدار این توافقنامه تعلق دارند، در مورد وجود و محتوای این معاهده پیوسته سکوتی خارق العاده اتخاذ کرده اند. اصل عمده «AMI» بر پایه ایجاد مجموعه ای حقوق برای چندملیتی ها، به زیان دولت ها و مردم استوار است، بی آن که درازای آن کمترین اجباری را برای این شرکت ها به وجود آورد. در بانک مرکزی اروپا (BCE) نیز اشخاصی را می یابیم که در شمار اعضای گروه «بیلدربرگ» قرار دارند. مانند: «ژان کلود تریشه» (رئیس بانک مرکزی اروپا)، «ویم دویسنبرگ» (رئیس سابق هیئت مدیره بانک مرکزی اروپا، رئیس سابق «ندرلاندشه بانک»، «اوتمار ایسینگ» (عضو هیئت مدیره بانک مرکزی اروپا) و «توماسو پادوا شیوپا» (عضو کمیته اجرایی این بانک).

❖ **مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum):** سازمانی است که قدرتمندترین و ثروتمندترین مردان کره زمین را در برمی گیرد. معیار پذیرش در بطن این شبکه، سطح قدرت، ثروت و نفوذ کاندیدا در زمینه اقتصادی، سیاست بین المللی، تکنولوژی و یا رسانه هاست. نشست عمده «مجمع اقتصادی جهان» هر ساله در پایان ماه ژانویه در «داووس» سوئیس انجام می پذیرد. در سراسر طول سال نیز، مهمترین اعضای این سازمان از طریق یک شبکه برتر کنفرانس ویدئویی به نام «ولکام» (Wellcom) با یکدیگر در ارتباط اند. این شبکه به آنها اجازه می دهد در هر لحظه پیرامون تصمیمات مهم جهانی با هم به مشورت بنشینند.

❖ **کمیسیون سه جانبه:** یک نهاد تعمق بین المللی است که در سال 1973 به طور مشترک توسط «دیوید راکفلر» و «زیگنیو برژینسکی» (مشاور سابق رئیس جمهور «جیمی کارتر») بنیان نهاده شده است. این نهاد سران سه منطقه اقتصادی عمده، یعنی آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن را گرد هم می آورد.

❖ **شورای روابط خارجی (CFR):** سازمانی آمریکایی است که از رهبران سیاسی و یا اقتصادی رده بالا (مانند «جرج بوش» پدر، «هنری کیسینجر» و یا «دیوید راکفلر»، رئیس شورای روابط خارجی) تشکیل شده است. شورای مشورتی (CFR) شامل نمایندگان خارجی می شود، مانند: «میشل روکار» (نخست وزیر اسبق فرانسه)، «اتو لامسدورف» (وزیر اسبق دارایی آلمان)، «برایان مالرونی» (نخست وزیر اسبق کانادا) و یا لرد «کانراد بلک» (رئیس گروه مطبوعاتی «هولینگر» و از نزدیکان دولت «بوش»).

❖ **گروه بیلدربرگ:** این گروه در سال 1954 تأسیس گردیده و بدون شک قدرتمندترین شبکه نفوذی است. «گروه بیلدربرگ» شخصیت هایی از تمامی کشورها، رهبران سیاسی، اقتصادی، مالی، رسانه ها، و نیز تعدادی از دانشمندان و دانشگاهیان را گرد هم می آورد. از دیدگاه این افراد که پیرامون شبکه های قدرت به تحقیق می پردازند، «گروه بیلدربرگ»، «دولت واقعی جهانی» است. رئیس و بنیانگذار مشترک «گروه بیلدربرگ»، «دیوید راکفلر» است. کشورهای عضو «گروه بیلدربرگ» عبارتند از: آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه، بلژیک، سوئیس، هلند، آلمان، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، نروژ، سوئد، دانمارک، فنلاند، لوکزامبورگ، ایرلند و بسیاری کشورهای دیگر. ❖ لوسیکل (Le Sicle): به معنای «قرن»، یک باشگاه تعمق است که قدرتمندترین و پرنفوذترین اعضای طبقه رهبری

کشور فرانسه را گردهم می آورد. مسئولان سیاسی، رؤسای شرکت های بزرگ و روزنامه نگاران رسانه های «اندیشه ساز» در شمار اعضای آن قرار دارند.

❖ **بنیاد سن سیمون:** سازمانی بسیار مشابه «لوسیگل» است. این سازمان در سال 1999 پس از کمک فراوان به تغییر گرایش ایدئولوژیک چپ فرانسه به لیبرالیسم، منحل گردید.

❖ **مؤسسه روابط بین الملل فرانسه (IFRI):** نوعی «شورای روابط خارجی» اما از نوع فرانسوی آن است. سیاستمدارانی با گرایش چپ و راست، رؤسای شرکت های بزرگ، روزنامه نگاران و برخی دانشگاهیان اعضای این مؤسسه را تشکیل می دهند.

❖ **کلوپ رم:** یک «باشگاه تعمق» رهبران سیاسی و اقتصادی عهدتاً اروپایی است. جوامع مخفی و زیرزمینی.

❖ **بوهمیانز کلوپ:** جامعه ای زیرزمینی و مخفی است که در آن قدرتمندان جهان به منظور شرکت در مراسمی عجیب و غریب که رنگ شیطان پرستی به خود گرفته اند، گردهم می آیند. شرکت کنندگان و اعضای سازمان های «اربابان جهان» به راستی چه کسانی هستند؟ می توان گفت، بر خطوط چهره آنان خصوصیات مشترکی نقش بسته است، مانند: حيله و تدبير، هوش سرشار، سنگدلي و قساوت، عزم راسخ، بي شرمي و وقاحت، بي تفاوتی کامل نسبت به مسائل اخلاقی («هدف وسیله را توجیه می کند!») و لذت توصیف ناپذیر تعلق به قشر برگزیدگان و نخبگان و مشاهده جهان از فراز و قله هرم... در شمار این اربابان «خودخوانده» از جمله شخصیت های ذیل را می بینیم: «هنری کیسینجر» (وزیر خارجه «نیکسون»، رئیس «کیسینجر آسوشیتس آی ان اس»، «جرج بوش» پدر (رئیس جمهور اسبق آمریکا، رئیس «سیا» در سال های 1976 تا 1977)، «فیلیپ ژافره» (رئیس سابق «الف»، مدیرکل بانک «کردیت آگریکول»، «جووانی آنیلی» (رئیس «فیات»)، «میشل کاندوسو» (رئیس سابق بانک جهانی، رئیس اسبق «بانک فرانسه»)، «ژان کلود تریشه» (رئیس «بانک فرانسه»، رئیس بانک مرکزی اروپا)، «جولیو آندرتوتی» (مردی که 30 سال بر ایتالیا حکومت کرد و در بسیاری از رسوایی های مرتبط با مافیا، فراماسون ها و بمب گذاری های راست افراطی در سال های دهه 1970 دست داشت)، «هیلاری کلینتون» (سناتور سابق حزب دموکرات، وزیر خارجه قبلی آمریکا، همسر «بیل کلینتون»، «تونی بلر» (نخست وزیر سابق انگلیس)، «جیمز ولفنسون» (رئیس سابق بانک جهانی)، «دیوید راکفلر» (رئیس «چیس منهن بانک»)، «بیل گیتس» (رئیس مایکروسافت)، «فرانتس فرانیتسکی» (صدراعظم اسبق اتریش)، «هیلمار کوپر» (رئیس هیئت مدیره «دویچه بانک» آلمان)، «زیگنیو برژینسکی» (عضو شورای روابط خارجی، مشاور سابق رئیس جمهور «جیمی کارتر»)، «پاسکال لامي» (کمیسر اروپا و طرفدار سرسخت «AMI»)، «جولیو ترمونتی» (وزیر دارایی ایتالیا، نماینده «فورتزا ایتالیا»، حزب «برلوسکینی»). «موریس لپینز» (رئیس «فورتیس بانک») و...

اسامی 13 خاندان ایلومیناتی (شورای سیزده گانه تاجدار: گاهی اوقات حقیقت از افسانه هم عجیب تر هست. همان طور که به دوستان قول داده بودیم اسرار هرم قدرت را با ملاحظه کمتر خواهیم گفت تا شما عزیزان بیشتر در جریان توطئه ها قرار بگیرید. سیزده خاندان شیطان پرست در راس هرم قدرت قرار دارند که خدای آنها همان تک چشم راس هرم هست و افراد جدیدی که وارد ایلومیناتی میشوند و به خدمت آنها در میابند ریاضت ها و مناسک فشرده ای را انجام داده و به ستایش شیطان پرداخته تا بندگی و بردگی خود را به ایلومیناتی اثبات کنند اما این سیزده خاندان از چه زمانی و چطور صاحب قدرت شدند؟؟ چه نیرویی آنها را هدایت و نگهداری کرده است همان طور که شما میدانید این 13 خاندان صاحب هشتاد درصد ثروت جهان متهدن ما هستند و با تمام قدرت از پروژه صهیونیسم و به قدرت رساندن دجال حمایت میکنند.

دو خاندان روچیلد و راکفلر صاحب 80 درصد زمین های اسرائیل هستند گفته میشود تهاما یهودی الاصل هستند اما در حقیقت همه شیطان پرست هستند و یک خانواده واحد را تشکیل میدهند برای رهبری بر جهان ما انجمن نسب شناسی امریکا به تازگی آماری را اعلام کرده که بسیار جالب هست آقای جورج بوش دجال در نهمین عموزاده خود با دیک چینی عموزاده هستند آقای اوپاما در هشتمین نسل قبل خود با دیک چینی عموزاده هستند همچنین بوش در هفتمین نسل قبل خود با لینکن عموزاده هستند و جان کری با بوش در نهمین نسل خود عموزاده هستند همچنین این نسب شناسی به افرادی چون سلن دیون و مدونا نیز میرسد که از اعضای مهم ایلومیناتی هستند. همچنین امار نسب شناسی این موسس اعلام کرده **باراک اوپاما با شش ریس جمهور** سابق امریکا نسب عموزادگی دارد آقایان جورج بوش پدر و پسر جرالد فورد جیمز مدیسون و هری تورمن همچنین خاندان سلطنتی بریتانیا نیز رابطه عموزادگی و خویشاوندی دارد. یک خاندان یک حکومت و یک خانواده شیطانی تحت حمایت و رهبری دجال برای حکومت بر جهان امروز ما وجود دارد همه این حاکمان از یک نسل شیطانی هستند و یک خانواده هستند اما آیا این نسل در قرن حاضر ساخته شده؟؟ هرگز این نسل در ابتدا حکومت سراسری خود را در مصر باستان مستقر کردند و هزاران سال از طریق مصر باستان با سلسله فراعنه بر دنیا حکومت کردند و قوانین شیطانی را بر دنیا حاکم کردند در هنگام ازدواج درون خانوادگی ازدواج میکردند تا ثروت و قدرت در خانواده بماند و خود را خدا یا فرزند خدا میدانستند اما با مرور زمان امپراطوری آنها رو به افول گذاشته و آنها حکومت سراسری خود را به امپراطوری مقدس روم در اروپا بردند و از طریق این امپراطوری بر جهان حکومت کردند و جالب هست بدانید همان قوانین شیطانی و کابالایی در امپراطوری روم هم بر قرار بوده و امپراطوران روم هم خود را خدا یا فرزند خدا دانستند و هزارن الهه و بت را میپرستیدند پس از ظهور مسیح او را متوقف کردند و دین مسیح را از 325 میلادی به نفع خود تحریف کردند و مسیح را فرزند خدا نامیدند اما پس از چند قرن این امپراطوری هم از بین رفت و حکومت سراسری این خاندان ها به انگلیس رفته و از قرن 9 میلادی انگلیس بی هویت به بریتانیای کبیر تبدیل شد و بزرگترین امپراطوری تاریخ بشر را به وجود آورد و جالب هست بدانید در این امپراطوری خاندان سلطنتی مانند اجداد فراعنه خودشان ازدواج درون فامیلی میکردند تا قدرت درون خانواده بماند اما با شروع قرن 19 این جریان و خانواده حکومت سراسری خود را به ایالات متحده امریکا برده و از آنجا به جهان حکومت کردند تا سال 2001 و بعد از جنایات 11 سپتامبر ابلیس و این خاندان شیطانی تحت حمایتش باید به سرزمین مقدس یا همان بیت المقدس (اسرائیل) میرفت و با ساخت معبد دروغین سلیمان و تخریب مسجد الاقصی آخرین مرحله از این بازی شیطانی را اجرا کنند و آماده ظهور مسیح دروغین خود باشند. در طول هزاران سال گذشته یک خاندان و یک دودمان شیطانی بر دنیای ما حکومت کرده و همواره قدرت را در دست داشته و به اجرای دستورات شیطان پرداخته و همواره با به راه انداخت جنگ و ساختن آیین های بت پرستی و مراسم قربانی هر چه بیشتر مردم جهان را فریب داده اند. گفته شده توسط خاندان های ایلومیناتی (روچیلد راکفلر و...) شیطان زنده و فعال هست و ما مردم منتخب او هستیم و او را میپرستیم.

نام الهه ایلومیناتی semiramis است که حدود 6000 سال پیش در بابل پرستش میشده است، یکی از اقوامی که در بابل بوده و برای این الهه مناسک انجام میداده Merovingian ها بوده اند امروزه یکی از قدرتمند ترین و ثروتمندترین خاندان های ایلومینیتی نام خود را Merovingian نهاده و نسب خود را به این قوم باستان میرساند این خاندان که به شدت سری و مخفی هستن بعد از خاندان سلطنتی بریتانیا در رتبه دوم از شورای 13 تاجدار هستن در هرم قدرت ماسونی هستند مجموع شورای 13 تاجدار را ایلومیناتی میگویند و زیر این نام مخفی شده و دارای 10 ها الهه هستن وسعی در زنده کردن اقوام بت پرست باستان هستند. در سال 2006 یک ماهواره روسی تصاویری از شهر بابل در عراق نشان داد که تعدادی از سربازان امریکایی به دور یک زمین حلقه زده اند و پس از مناسکی با حفاری زمین یکی از بت های مدفون شده باستان را بیرون آورده و با عزت و احترام آن را به امریکا منتقل کردند. ایلومیناتی و نهادهای اجرایی: محفل «ایلومیناتی باواریا» در سال 1776 ظاهراً با انشعاب از فراماسونری فعالیت خود را بر پایه نابودی ادیان و دولتها، الغای مالکیت، و تشکیل حکومت واحد جهانی تحت فرمانروایی یک تن آغاز کرد. سازمان ایلومیناتی فراتر از فراماسونری است و مدارج اعضایی آن از فراماسونهای درجه 33 بالاتر

است. ایلومیناتی‌ها از سیزده خانوادهٔ ثروتمند تشکیل شده‌اند که رهبری شان با خاندان روچیلد (راتشیلد) است. از میان دیگر خاندانهای ایلومیناتی می‌توان به Astor، Rockefeller و Onassis اشاره کرد. لیست این خاندانها در کتاب «دودمانهای ایلومیناتی»، نوشتهٔ Fritz Spring Meier آمده است.

خاندان یهودی روچیلد از اواخر قرن هجدهم تا به امروز، سلاطین بی‌تاج و تخت اروپای غربی و آمریکای شمالی‌اند. فراماسونها که امروز با نزدیک شدن به تحقق اهداف نهایی خود پرده پوشی را به کنار نهاده‌اند، در کتاب «نماد گمشده» به معرفی محفل ایلومیناتی می‌پردازند: «... آنها پنهانی، سازمان برادری شان را در عمق ماسونها از نو بنا نهادند؛ نوعی تشکیلات مخفی در درون تشکیلات مخفی دیگر. آنها سپس از ارتباطات جهانی ماسونها استفاده کردند تا نفوذشان را در دنیا گسترش دهند. ایلومیناتی‌ها در اروپا به قدرت زیادی دست یافتند و آنگاه متوجه آمریکا شدند و حکومتی تشکیل دادند که بخش اعظم اعضای آن فراماسون بودند؛ جرج واشنگتن، بنجامین فرانکلین و... ایلومیناتی‌ها از این فرصت استفاده کرده و بانکها و دانشگاهها و صنایعی را که هدف غایی آنها را تأمین می‌کرد بنا نهادند». قهرمان رمای دن براون هدف اصلی این تشکیلات را این گونه بیان می‌کند: «آفرینش یک حکومت جهانی، نوعی نظام جهانی سکولار و غیر مذهبی... یک نظام جهانی تازه براساس دیدگاههای ایلومیناتی». در کتاب همچنین آمده است: «در اینجا لنگدان به ثروت ایلومیناتی فکر کرد؛ ثروت کهن فراماسونهای باواریایی، سلسلهٔ روچیلد، بیلدربرگها و...».

همین شبکهٔ بین‌المللی بود که از طریق انباشت سرمایهٔ تاراج شده در تهاجم استعماری اروپا، به قدرتی بی‌رقیب بدل شد و در قلب اشرافیت جهانی معاصر جای گرفت. بنیاد روچیلد واپسین نهاد اقتدار و ثروت این کانون است. برادران روچیلد در آغاز، در کشورهای گوناگون اروپا به بانکداری و صرافی پرداخته و ارتباط عمیقی با دربارهای اروپایی داشتند. آنها پس از مدتی، توانستند نبض اقتصاد اروپا را در دست گیرند. دایرهٔ المعارف بریتانیکا دربارهٔ این خانواده می‌نویسد: «خاندان روچیلد، مشهورترین سلاطین بانکدار اروپا، در دو بیست سال اخیر تأثیر فراوانی بر اقتصاد و به طور غیر مستقیم بر تاریخ سیاسی اروپا نهاده‌اند» - جلد 19، ص 574، چاپ 1959. انقلاب فرانسه و جنگهای ناپلئون وضعیت روچیلدها را به شدت ارتقا داد. ناتان روچیلد گفت: «ثروتش از زمان ورود به انگلیس تا پایان جنگهای ناپلئونی 2500 برابر شده است». در این زمان بیشتر مبادلات مالی انگلستان با سراسر قارهٔ اروپا از طریق دفاتر بنیاد روچیلد انجام می‌شد. از همین دوران است که روچیلدها به عنوان پادشاهان یهود شهرت یافتند. به تدریج تا سال 1850، خاندان روچیلد ثروتی اندوختند که از مجموع ثروتهای خاندانهای سلطنتی اروپا بیشتر بود. نام روچیلدها در کنار نام راکفلرهای آمریکایی به عنوان پیشگامان استخراج نفت در خاورمیانه و روسیه شهرت دارد. رویال داچ شل با 14 سهم پس از بریتیش پترولیوم، بزرگترین غارتگر نفت ایران پس از کودتای 28 مرداد بود. دایرهٔ المعارف آمریکانا دربارهٔ روچیلدها می‌نویسد: «... آنها در قرن بیستم نیز بر اندوختهٔ مالی و صنایع گسترده ای کنترل داشته و یک نیروی اساسی در اقتصاد جهان محسوب می‌شوند که منافع آن از اروپا تا آسیا امتداد دارد». امروز از بزرگترین شرکتهای بیمه گرفته تا شبکه‌های راه آهن و حمل و نقل هوایی اروپا و... به روچیلدها تعلق دارد. روچیلدها پس از جنگ جهانی اول به طور منظم سرمایه‌های لازم برای مهاجرت و اسکان یهودیان در فلسطین اشغالی را فراهم نمودند. ادموند روچیلد، رئیس شاخهٔ فرانسوی روچیلدها به تنهایی بیش از هفتاد میلیون فرانک طلا به این کار اختصاص داد. خاندانهای ایلومیناتی بسیاری از دولتها را کنترل کرده و سیاستمدارانی که به ظاهر قدرتی در دست دارند در حقیقت کارمندان آنها می‌باشند. خاندانهای ایلومیناتی در حفظ اصالت خود از نسلی به نسل دیگر بسیار دقیق هستند.